

حسن شفیعی*

پریسا امانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۰

چکیده

تحلیل ماهیت، پایگاه اجتماعی و بحران و بی‌ثباتی سیاسی مضامین عمده‌ای در بررسی نظام‌های سیاسی تحصیل‌دار هستند. جامعه‌شناسان سیاسی، رویکردهای توسعه‌مدار نظام‌های سیاسی را به دو گروه دموکراتیک و غیردموکراتیک با فرعیات دیگر تقسیم‌بندی کرده‌اند. نظریه‌پردازان بر این اجماع دارند که دولت‌های رانتیر به دلایل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در مقوله دولت‌های غیردموکراتیک قرار می‌گیرند. بخش‌های عمده‌ای از کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و آمریکای لاتین را دولت‌های رانتیر تشکیل می‌دهند. دسترسی انحصاری به منابع درآمدی موجب استقلال و بی‌نیازی هیات حاکمه این دولت‌ها از نیروهای اجتماعی شده است. این فرضیه بر اساس مجموعه‌ای از داده‌های آرشیوی، اسنادی، آماری و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از متغیرها نظیر ساختار سیاسی بوروکراتیک اقتدارگرا، کورپوراتیسم، صنف‌گرایی و پاتریمونیالیسم مؤلفه‌های تعیین‌کننده ماهیت اجتماعی، پایگاه اجتماعی و بحران و بی‌ثباتی سیاسی در دولت‌های تحصیل‌دار (رانتیر) به‌شمار می‌روند.

کلیدواژگان: تحصیل‌داری، پایگاه اجتماعی، ماهیت اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی، کورپوراتیسم اقتدارگرا

dr.shafiee2011@yahoo.com

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج parisaamani99@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۵۶ - ۱۲۵.

مقدمه

توضیح و تبیین رابطه نظام سیاسی و نظام اجتماعی یکی از موضوعات جالب توجه در مطالعات مقایسه‌ای با رویکرد توسعه سیاسی است. منطقه خاورمیانه از جمله مناطقی در دنیا محسوب می‌شود که تنوعی از شکاف‌های قومی - طبقاتی - مذهبی و اقتصادی عمدتاً متراکم و گاه متقاطع فرآیند دولت‌سازی و ثبات سیاسی در آن را دست‌خوش تغییر و تحول بنیادین نموده است. این منطقه به‌رغم قدمت تمدنی - فرهنگی، مدت‌زمان کوتاهی از تاسیس دولت مدرن را تجربه کرده است. بخش عمده‌ای از دولت‌های منطقه تازه‌تاسیس بوده و سابقه تحت‌الحمایگی و قیمومیت داشته‌اند. بخش دیگری از دولت‌ها نیز در بستر پویش‌های سنتی شکل گرفته و تعارضات ساختاری جدی با مدرنیته دارند. وجه مشترک غالب این کشورها دسترسی و تمرکز انحصاری بر منابع درآمد و ثروت می‌باشد. همین ویژگی زمینه‌ساز استقلال نسبی دولت از طبقات و نیروهای اجتماعی شده است. برخی از نظریه‌پردازان ماهیت اجتماعی دولت در خاورمیانه تا آنجا پیش رفته‌اند که در این منطقه دولت در همه جا و در تمامی عرصه‌ها حضور دارد. بنابراین مطالعات جامعه‌شناسی در این منطقه محلی از اعراب ندارد؛ چراکه در حقیقت جامعه‌ای به‌معنای دقیق کلمه وجود ندارد و همه چیز در دولت خلاصه می‌شود. البته چنین رویکردی به شدت رادیکال بوده و با مبانی جامعه‌شناسی سیاسی تعارض معنایی دارد. به‌ر حال، در این مقاله سعی بر آن است که ماهیت اجتماعی دولت در خاورمیانه را با عنایت به اینکه تمامی دولت‌ها، حتی مستبدترین دولت‌ها نیز پایگاه اجتماعی حداقلی دارند، مورد تحقیق قرار می‌گیرند. در تحلیل ماهیت اجتماعی دولت در خاورمیانه سه سؤال عمده به ذهن متبادر می‌شود که عبارتند از:

یک. ویژگی‌ها و ماهیت دولت در خاورمیانه کدامند؟

دو. دولت‌های خاورمیانه از سوی چه گروه‌ها و طبقات اجتماعی مورد حمایت قرار می‌گیرند؟

سه. بحران‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای خاورمیانه چه زمینه‌ها، عوامل و ریشه‌هایی دارند؟

بررسی ادبیات پژوهش مرتبط با موضوع «ماهیت اجتماعی دولت در خاورمیانه» پژوهشگر را

به این فرضیه پژوهشی سوق داده است که «دسترسی متمرکز و انحصاری دولت در خاورمیانه به

منابع درآمد و ثروت موجب بی‌نیازی و استقلال نسبی دولت از طبقات اجتماعی شده و همین بی‌نیازی زمینه‌های رکود مشارکت سیاسی، بحران کسری مشروعیت سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی در این کشورها را فراهم آورده است.»

هدف از نگارش این مقاله تمرکز بر دو دسته اهداف یعنی اهداف بنیادی یا نظری و اهداف کاربردی یا عملی می‌باشد: یک. از منظر اهداف بنیادی و نظری این مقاله در راستای واریسی و آزمون نظریه‌های رانتیر و کاربست آنها در منطقه خاورمیانه به رشته تحریر درآمده است. دو. از حیث عملی و کاربردی این مقاله می‌تواند در تدوین خط‌مشی‌های سیاست خارجی در رابطه با کشورهای منطقه از حیث پیش‌بینی ثبات و بی‌ثباتی سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

داده‌های گردآوری شده از نوع کتابخانه‌ای با مقولات اسنادی - آرشویی بوده‌اند. در همین راستا، گاه از آمارهای توصیفی نظیر جداول توزیع فراوانی و نمودارها برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است و عمدتاً با استفاده از روش‌های استدلالی و تاریخی به تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم. با عنایت به پرسش‌های اصلی مقاله، مطالب ارایه شده در سه مبحث یعنی ماهیت دولت رانتیر، پایگاه اجتماعی دولت‌های رانتیر و ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در دولت‌های رانتیر سازمان‌دهی شده‌اند. مبحث پایانی مقاله نتیجه‌گیری است که بیشتر بر یافته‌ها و نتایج نظری تأکید دارد.

تحلیل نظری ماهیت دولت تحصیل‌دار (رانتیر)

بررسی مفهومی دولت رانتیر در قرن بیستم، گستره‌ای اساساً اقتصادی و در چارچوب منابع درآمدی دولت داشته است. اگر بر این اساس بخواهیم به تحلیل دولت رانتیر بپردازیم، به این نتیجه خواهیم رسید که اقتصاددانان در اوایل قرن بیستم، واژه دولت رانتیر را برای اشاره به گروهی از دولت‌های اروپایی به کار بردند که وام‌هایی را به دولت‌های غیر اروپایی پرداخت می‌کردند. لنسین دولت رانتیر را نوعی دولت انگلی در مرحله افول سرمایه‌داری می‌داند که کل شرایط اجتماعی و اقتصادی کشورهای واجد این نوع دولت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اما پیدایش دولت‌های جدید نفتی در دهه ۱۹۷۰ و قرار گرفتن آنها در خط مقدم تجارت و امور مالی جهان، مفهوم اقتصادهای رانتی را بار دیگر زنده کرد. ثروت عظیمی که به شکل بی‌سابقه و در

زمانی اندک نصیب این دولت‌ها شد، ایده درآمد حاصل از کار غیرمولد را به‌عنوان ویژگی برجسته اقتصادهای رانتیر، مطرح نمود. درچنین شرایطی بود که نظریه دولت رانتیر در مفهوم کنونی آن رایج شد. در این میان حسین مهدوی، اقتصاددان ایرانی، برای نخستین بار واژه دولت رانتیر را در مفهوم کنونی آن به‌کارگرفت. به باور وی «دولت رانتیر، دولتی است که میزان درخور ملاحظه‌ای از رانت را از افراد یا حکومت‌های خارجی دریافت می‌کند.» (عسگریان، ۱۳۸۹، ۱۴۷-۱۴۰)

برای واکاوی در باب منشا و ماهیت دولت رانتیر تعاریف متعددی ارائه شده است. به‌عنوان مثال دیوید پیرس در لغت‌نامه اقتصاد مدرن، رانت را به شکل زیر تعریف می‌نماید: «رانت پرداختی است در ازای یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر باشد.» آدام اسمیت میان رانت و دیگر منابع درآمد مانند مزد و سود تفاوت گذاشته است. به نظر اسمیت «رانت به شیوه‌ای متفاوت از دستمزد و سود در ترکیب کالاها داخل می‌شود. دستمزدها و سودهای بالا یا پایین مسبب بالا یا پایین رفتن قیمت می‌شود، اما رانت بالا یا پایین مسبب قیمت بالا یا پایین نیست بلکه نتیجه آن است.» در واقع رانت صرفاً درآمدی نیست که مثلاً عاید یک صاحب زمین یا خانه می‌شود، بلکه جایزه‌ای در ازای مالکیت منابع طبیعی است. چنان‌که ریکاردو معتقد است: «معادن و زمین، منبع رانت برای مالکان آنها می‌باشد و این رانت نتیجه بالا بودن ارزش محصولات معادن یا زمین است نه علت آن...» (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۶، ۱۵۴-۱۵۲)

«هر دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمد خود را از رانت خارجی حاصل از صدور یک یا چند ماده خام به دست آورد، دولت رانتیر لقب می‌گیرد. بر این اساس رانت منشاء خارجی دارد و به‌هیچ وجه با فرآیندهای تولید داخلی ارتباطی ندارد. دولت رانتیر نه تنها انحصار دریافت رانت را داراست، بلکه هزینه کردن رانت‌ها را نیز در اختیار انحصاری خود دارد. بدین خاطر یک مؤسسه توزیع درآمدهای حاصل از مواهب الهی به یکی از اصلی‌ترین نهاد سرمایه‌گذار و اشتغال‌زا تبدیل می‌شود.» (Bebrawi & Luciani, 1987, 48-50)

بنابراین آنچه در دولت‌های رانتیر اهمیت زیادی دارد، منابع درآمدی این دولت‌هاست. زمانی که اقتصاددانان کلاسیک مفهوم رانت را مطرح کردند، منبع ایجاد رانت، منابع طبیعی و به‌ویژه زمین بود و به رانت‌های دیگر که توسط دولت و یا سازوکارهای ویژه اجتماعی پدید می‌آیند،

توجه نمی‌شد. اقتصاددانان کلاسیک تصور می‌کردند دولت، نهادی یک‌پارچه و خیراندیش است که به زیان جامعه کار نمی‌کند و به همین خاطر بر این باور بودند که رانت‌های قانونی نیز به‌وجود نخواهد آمد و اگر زمینه تحصیل رانتی ایجاد شود، خودبه‌خود به واسطه سازوکار رقابتی ناشی از عملکرد بازار، حذف خواهد شد. اما بعدها مشخص شد که یک رشته از قوانین دولت‌ها یا ضوابط اجتماعی نیز ممکن است با ایجاد کمیایی‌های ساختگی، به تولید رانت منجر شوند.

در اینجا رانتی که مدنظر است از نظر منبع، تنها به منابع طبیعی محدود نمی‌شود، بلکه می‌توان سببی از رانت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، آموزشی، اطلاعاتی، قومی و غیره را شناسایی کرد تفاوت عمده این رانت‌ها در منبع آنهاست. این رانت‌ها که به واسطه ایجاد کمیایی ساختگی و شرایط انحصاری (در مقابل شرایط رقابتی) پدید می‌آیند، درآمد یا امتیازی را نصیب دارندگان خود می‌کنند. این درآمد یا امتیاز بدون تلاش و یا فعالیت مولد نصیب فرد یا گروه مربوطه می‌شود بنابراین، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان رانت‌ها را به دو دسته کلی «رانت‌های منابع طبیعی» و «رانت‌های راهبردی» تقسیم نمود رانت‌های منابع طبیعی مزایای ناشی از در اختیار داشتن منابع طبیعی است که ارزش زیادی برای اقتصادهای پردرآمد در کشورهای ثروتمند جهان دارد منبع این گروه رانت‌ها در طول زمان تغییر کرده است. در حال حاضر این نوع رانت‌ها شامل انواع مواد معدنی، الماس و چوب‌های جنگلی است، با این حال نفت در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. رانت‌های نفتی، با توجه به هزینه‌های تولید، مازاد درآمد عمده به حساب می‌آیند و در ضمن این‌گونه رانت‌ها، از منابعی به‌دست می‌آیند که حالتی متمرکز و نه پراکنده دارند به همین علت است که مازاد درآمد تولید نفت به‌طور عمده در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی و دولت‌های مرکزی قرار می‌گیرد.

دومین رانت، در اصطلاح رانت راهبردی خوانده می‌شود. این رانت‌ها، شامل درآمدهایی است که حکومت‌ها و یا دیگر سازمان‌هایی که در یک قلمرو مشخص دارای قدرت هستند و یا صرف نظر از واقعیت موجود قدرتشان مشروع تلقی می‌شود، به‌دست می‌آورند به لحاظ تاریخی، رانت‌های راهبردی، عمدتاً به واسطه کنترل بر (یا راهزنی دریایی سازمان‌یافته در) راه‌های مهم حمل و نقل دریایی (شامل کانال‌ها و آبراهه‌ها و غیره) به‌دست آمده‌اند همچنین ائتلاف‌های نظامی و دریافت کمک به واسطه این ائتلاف‌ها، منجر به رانت‌های راهبردی بوده است. اکثر این منابع رانت امروزه برای

کشورهای فقیر همچنان اهمیت فراوانی دارند امروزه، بخش عمده‌ای از رانتهای راهبردی در قالب «کمک‌های توسعه‌ای» به کشورهای فقیر ارایه می‌شود. در چند دهه اخیر، کمک‌های توسعه‌ای به شکلی فزاینده به کشورهای فقیر اختصاص پیدا کرده و همواره انگیزه‌هایی راهبردی در ورای اعطای این کمک‌ها وجود داشته است. اگرچه این کمک‌ها در کشوری با درآمد متوسط همچون برزیل، از نظر مالی حجم درخور توجهی به حساب نمی‌آیند، اما برای کشورهای بسیار فقیر و کوچک، نیم یا بیش از نیمی از منابع مالی حکومت را تشکیل می‌دهند (عسگریان، ۱۳۸۹، ۱۴۰-۱۴۷).

منابع مالی انحصاری و استقلال نسبی دولت از نظام اجتماعی موجب بی‌نیازی دولت از گروه‌ها و طبقات اجتماعی می‌شود. همین بی‌نیازی رفته‌رفته فاصله دولت از گروه‌ها و طبقات اجتماعی را بیشتر نموده و شکاف عظیمی میان دولت و جامعه به وجود می‌آورد. دوقطبی شدن قدرت سیاسی و اجتماعی زمینه‌ساز انسداد سیاسی، بن‌بست و کاهش تدریجی مشارکت سیاسی و در نهایت زوال مشروعیت نظام سیاسی می‌شود. زوال مشروعیت سیاسی، زمینه‌ساز توسل دولت به خشونت، ارباب و اجبار و تحکم می‌گردد. البته «دولت رانتیر ممکن است فرآیندهای انتخاباتی، مبارزه سیاسی و مشارکت را تجربه کرده باشد، اما هیچ‌گاه قدمی در راستای نهادینه کردن مشارکت و بازتولید تقاضاهای اجتماعی در متن سیاست‌های عمومی بر نمی‌دارد. دموکراسی، جامعه مدنی، حزب و مشارکت سیاسی تا جایی برای دولت رانتیر قابل تحمل است که خدشه‌ای به سیاست‌های رانتی آن وارد نسازد.» (Beblawi & Luciani, 1987, 112)

جدول شماره یک که الگویی از اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را نشان می‌دهد، دلالت بر این دارد که عدم اصلاحات سیاسی به‌رغم این اصلاحات نقشی در فرآیند توسعه سیاسی ندارد. (قاسمیان، ۱۳۸۹، ۴۰) از منظر ساختاری، «دولت‌های رانتیر دولتهایی هستند که در سه ضلع تولید-توزیع و مصرف و تقاضا-عرضه-قیمت، اضلاع تولید و عرضه را اقلیتی محدود و معدود در اختیار دارند. این اقلیت همان الیگارش حاکم هستند که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم قدرت سیاسی را نیز در اختیار دارند. بنابراین در دولت‌های رانتیر سیاست بر اقتصاد اولویت و تقدم دارد. دولت‌مردان بنگاه‌های اقتصادی را همراه با سایر منابع مالی و به‌ویژه منبع عمده درآمد ملی در ید خود گرفته و آنچه که در

دولت‌های غربی به‌عنوان «اقتصاد ملی» رایج است، در این کشورها مشاهده نمی‌کنیم. اقلیتی حاکم تولیدکننده و مالک منابع تولیدی و سایر افراد جامعه متقاضی و مصرف‌کننده هستند. دولت توزیع‌کننده، مداخله‌گر در عرصه اقتصاد و تعیین‌کننده قیمت کالاهای مصرفی است. دولت در همه جا حضور دارد.» (Beblawi & Luciani, 1987, 112)

با توجه به انحصار منابع درآمدی و تولیدی در گروه‌های محدود و فقدان سیستم نظارتی بر هزینه‌های دولت «یکی از مسائل گریبان‌گیر دولت‌های رانتیر مساله فساد سیاسی است. سازمان شفافیت بین‌المللی سطح فساد کشورها را بر اساس نمره یک (بالاترین فساد) تا ۱۰ (کم‌ترین فساد) اندازه‌گیری نموده است. میانگین نمره فساد بیشتر کشورهای خاورمیانه عربی و شمال آفریقا بین دو تا پنج با فساد نسبتاً زیاد تا سطح بالا بوده است. عربستان، لیبی، مصر، یمن، سودان، نیجریه، الجزایر و اردن در این دسته قرار می‌گیرند.» (سردارنیا، ۱۳۸۹، ۲۷)

در مجموع چند ویژگی عمده را می‌توان برای ماهیت اجتماعی دولت‌های رانتیر برشمرد: یک. رانت‌ها باید از خارج کشور تامین شود، به عبارتی دیگر، رانت هیچ‌گونه ارتباطی با فرآیندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور نداشته و منشا خارجی دارد؛

دو. در دولت رانتیر اکثر افراد جامعه دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده رانت هستند و در حد محدودی از نیروی کار جامعه درگیر تولید رانت می‌باشند؛

سه. دولت رانتیر دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و در هزینه نمودن آن نقش اساسی ایفا می‌کند و رانت‌ها را نیز در انحصار خود دارد؛

چهار. در دولت‌های رانتیر، رانت در کنترل نخبگان حاکم است؛ پنج. دولت رانتیر به جهت برخورداری از درآمدهای حاصل از مواهب الهی می‌تواند به یکی از اصلی‌ترین نهادهای سرمایه‌گذاری تبدیل شود؛

شش. رابطه مستقیمی میان درآمدهای حاصل از صادرات و فروش منابع زیرزمینی و دموکراسی وجود دارد.

با توجه به ویژگی‌های فوق، دولت‌های رانتیر نقطه مقابل دولت‌های دموکراتیک محسوب می‌شوند. بر اساس مطالعاتی که پری آندرسون، آیزنشتات، اشتین روکان و سایرین درباره خاستگاه

دولت مدرن انجام داده‌اند، از این دولت‌های مدرن به‌عنوان دولت‌های نمایندگی نام برده‌اند منابع درآمدی دولت‌های نمایندگی را نظام مالیات‌گیری تشکیل می‌دهد مالیات بر درآمد، املاک، اموال، دارایی‌ها و مستغلات درآمدهای اصلی این دولت‌هاست. ضرورت دسترسی و تسلط دولت بر این منابع درآمدی وجود طبقات مسئول اجتماعی به‌ویژه طبقه متوسط را می‌طلبید نتیجه پیدایش این طبقات نظام مالکیت خصوصی، رقابت، سودجویی و نظام سرمایه‌داری بود. برخلاف دولت‌های مدرن، دولت‌های رانتیر را گروه‌های معدودی تشکیل می‌دهند که تسلط انحصاری بر منابع درآمدی خارجی مانند منابع طبیعی، شاهراه‌های راهبردی و غیره دارند این دولت‌ها استقلال نسبی از طبقات اجتماعی موجود داشته و از آنها بی‌نیاز هستند در نتیجه دولت‌های مدرن را دولت‌های پاسخ‌گو و دارای مسئولیت سیاسی می‌توان تلقی کرد که دموکراتیک شدن برآیند آن است، اما دولت‌های رانتیر به‌دلیل بی‌نیازی از طبقات اجتماعی پاسخ‌گو نبوده و در نتیجه دموکراسی در آنها شکل نمی‌گیرد.

کوچک شدن بوروکراسی مالیاتی و فربهی نظام سیاسی توزیع‌کننده در برابر استخراجی، در عربستان سعودی نمونه قابل توجهی از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی دولت رانتیر است. آنچه که به ثبات یا بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی رانتیر می‌انجامد را باید در خلال دوره قبل از رونق درآمدها و دوره رونق جست‌وجو کرد. «رکود درآمدها عامل عمده بی‌ثباتی سیاسی در این دولت‌ها می‌باشد. پدیده بیماری هلندی زمینه‌ساز بحران سیاسی در این رژیم‌هاست؛ زیرا این پدیده به بقای دیگر بخش‌های مهم اقتصاد در کشور، آسیب می‌رساند. بیماری هلندی عارضه‌ای است که در آن بخش‌های در حال رونق اقتصاد یک کشور همچون بخش نفت، سبب افزایش ارزش پول ملی می‌شوند و همین امر به صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی از راه افزایش بهای این محصولات در بازارهای بین‌المللی آسیب می‌زند. پیامدهای اقتصادی بیماری هلندی ممکن است در خلال دوره رونق درآمدها حتی در شرایطی که درآمدهای لازم برای حامی‌پروری^۱ افزایش یافته است، به بروز بحرانی سیاسی بینجامد. بنابراین مشروعیت سیاسی دولت‌های رانتیر در دوره‌های اوج و رکود سرشتی آسیب‌پذیر دارد.» (میرترابی، ۱۳۸۷، ۹۳)

پایگاه اجتماعی دولت رانتیر

الگوی رانتیرسم زمانی تحقق کامل دارد که رانت صرفاً تحت کنترل نخبگان حاکم باشد و آنها قدرت انحصاری در تصمیم‌گیری برای هزینه داشته باشند که این قدرت انحصاری از دو عامل نشأت گرفته است: نخست اینکه دستیابی کامل و مقادیر عظیم رانت موجب تقویت استقلال دولت مذکور از جامعه می‌شود، که این استقلال باعث ایجاد قدرت انحصاری در این دولت‌ها شده و از آن برای حفظ تداوم قدرت انحصاری خویش استفاده می‌نمایند، بدون اینکه مجبور باشند در اتخاذ سیاست‌ها و اجرای آن منافع جامعه را در نظر بگیرند؛ دوم اینکه نخبگانی که رانت را در اختیار دارند، می‌توانند از آن برای جلب همکاری نخبگان و گروه‌ها در جامعه استفاده کنند که بیشتر اوقات این جلب همکاری شکل پاتریمونیالیستی یا نوپاتریمونیالیستی به خود می‌گیرد.

برخلاف بیشتر دولت‌ها که برای ادامه حیاتشان چاره‌ای جز اخذ مالیات از جامعه و صنایع خود ندارند، دولت رانتیر نیاز واقعی به اخذ مالیات ندارد؛ زیرا قسمت اعظم درآمد آن را رانت‌های خارجی تشکیل می‌دهد. رانتی که دولت رانتیر دریافت می‌کند، دولت را قادر می‌سازد از آن برای کسب و حفظ مشروعیت خود استفاده نماید.

توسعه و گسترش دیوان‌سالاری را می‌توان وسیله‌ای دانست که دولت رانتیر به کمک آن هم رانت را به شکل مؤثرتری میان جامعه توزیع می‌کند و هم منبع گسترده‌ای برای اشتغال گروه‌های مختلف جامعه فراهم می‌آورد. همچنین دیوان‌سالاری گسترده به معنای فراهم بودن مناصب متعددی است که دولت می‌تواند برای جلب حمایت اعضای گروه‌های مختلف از آن استفاده نماید. به عقیده ببالوی و ایوبی، «کارویژه جلب همکاری اعضای گروه‌های مختلف به کمک دیوان‌سالاری حتی از کارویژه دیگر آن یعنی توزیع رانت و مدیریت صحیح مهم‌تر است.» (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۶، ۱۵۴)

از منظر تحلیل پایگاه اجتماعی «دولت رانتیر طبقه‌ای جدید را عملاً به وجود می‌آورد و آنها را از طریق دستمزدهای بالا، مناصب پرمنفعت، اعتبارات کم‌بهره و غیره جذب می‌کند تا از تهدید آنها که به واسطه برخورداری از دارایی و تحصیلات بالا که بزرگ‌ترین تهدید برای انحصار دولتی به‌شمار می‌آیند، رهایی یابد. پس از طبقه جدید تحت‌الحمایه، توده جمعیت شهری قرار دارند که

هم از نتایج درآمدزا و اشتغالزای هزینه‌های بسیار بالای دولت و بخش خصوصی سود می‌برند و هم از یارانه‌های تخصیصی دولت و از مقررات موضوعه سهل‌انگارانه در خصوص ساعات کار، حداقل دستمزدها و طرح‌های رفاهی؛ چراکه اساساً دولت به این مقولات از زاویه مزیت و بهینه‌نگری، کارآمدی و اثربخشی نمی‌نگرد چون نیازی بدانها ندارد. در نتیجه حلقه اتصال دولت با مردم و برخی طبقات، ثروتی است که دولت در اختیار آنها قرار می‌دهد.» (Theda, 1982, 57-50)

«پایگاه اجتماعی دولت‌های رانتیر به دلیل قدرت انحصاری و کنترل متمرکز دولت بر منابع قدرت بسیار محدود است. این دولت‌ها توجهی به منافع جامعه ندارند، ولی با توجه به دارا بودن منابع مالی گسترده درصدد جلب حمایت نخبگان و گروه‌های رقیب برای حفظ قدرت انحصاری خویش برمی‌آیند البته در پی این سیاست، سازوکارهای استخراجی، توزیعی و بازتوزیعی دولت به‌شدت آسیب‌پذیر می‌شود. اقتصاد دولت‌های رانتیر، اقتصاد تولیدی نبوده بلکه در فضایی از شانس، تصادف، روابط فامیلی و نزدیکی و ارتباط با منابع قدرت شکل می‌گیرد. بنابراین گروهی از فرصت‌طلبان، دلالان و فامیل صاحبان قدرت پایگاه اصلی اجتماعی دولت رانتیر را تشکیل می‌دهند.» (Theda, 1982, 50) «در دولت‌های رانتی ارتباطات خانوادگی و حمایت از گروه‌های خاص، اولویت‌های اصلی دولت در تخصیص درآمدهای رانتی را تشکیل می‌دهد. گسترش بوروکراسی دولتی برآیند نیاز به توزیع گسترده درآمدهای رانتی است. چنین وضعیتی شاید در کوتاه‌مدت به اشتغال و رفاه بینجامد، اما در درازمدت به دلیل غیرتولیدی بودن اقتصاد به تعارض و رویارویی دولت با جامعه منجر می‌شود.» (Theda, 1982, 50) به دلیل همین تعارض ساختاری است که بخش مهمی از نظریه‌های مربوط به دولت رانتیر به مساله ارتباط دولت رانتیر با دموکراسی می‌پردازد. در این گونه نظریات استدلال می‌شود که دولت‌های رانتیر به واسطه درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و زیرزمینی و عدم دریافت مالیات، حاضر به پاسخ‌گویی به مردم نیستند و افزون بر این به علت داشتن قدرت انحصاری در استفاده از رانت از آن برای حفظ و تداوم استبداد و قدرت انحصاری خود استفاده می‌کنند. این نظریه‌ها همچنین به این موضوع اشاره می‌کنند که نخبگان حاکم با بهره‌گیری از درآمدهای بادآورده و از طریق تزریق پول به جامعه در شرایط ضروری، می‌توانند با سهولت بیشتری مخالفان را قانع و بحران‌ها را مرتفع کنند. ویلیام وشر و داگلاس یاتس با

بهره‌گیری از نظریه دولت رانتیر استدلال می‌کنند که «مقامات حکومتی به واسطه درآمدهای سرشار حاصل از فروش مواد زیرزمینی می‌توانند برخی اهداف غیررسمی و نامشروع را به راحتی پی‌گیری کنند و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی را بدون در نظر گرفتن منافع جامعه، در پیش گیرند. کاربران چودری و راوکینز یادآور می‌شوند که دولت رانتیر در برابر دریافت نکردن مالیات از جامعه به توافق ضمنی و نانوشته با مردم دست می‌یابد که آنان نیز از حکومت مبتنی بر نمایندگی صرف نظر کنند و یا به عبارت دیگر اولویت‌های اقتصادی را با اولویت‌های سیاسی تعویض نمایند.» (هرسنی و خودکار، ۱۳۸۸، ۵۳-۵۲)

دولت رانتیر با تضعیف جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی، پایه‌های شکل‌گیری ارزش‌هایی مانند اعتماد و نهادهایی مانند حزب را از بین می‌برد، این دو عاملی هستند که باعث رسیدن نخبگان به اجماع در قالب نهادها، روندهای توسعه‌ای نامناسب می‌شود. شاخص‌های دست‌یابی به یک فرهنگ سیاسی توسعه‌ای عقلانیت، حزب و مشروعیت است. از این رو دولت رانتیر با کم‌رنگ کردن سرمایه‌های اجتماعی، سست کردن پایه‌های جامعه مدنی و در نهایت فرصت ندادن به نخبگان که بازیگران قابل اتکا در عرصه فرهنگ سیاسی هستند، نه تنها باعث تضعیف روند شکل‌گیری یک فرهنگ سیاسی توسعه‌یافته می‌شود، بلکه طی فرآیند آن ویژگی‌های ضد توسعه‌ای یک ساختار اقتصاد سیاسی رخ می‌نماید. دلیل عمده ویژگی ساختاری ضد توسعه‌ای دولت‌های رانتیر را باید در تسلط انحصاری صاحبان قدرت بر منابع درآمدی جست‌وجو کرد.

«دولت‌های رانتیر با تسلط و انحصاری که بر درآمدهای ناشی از رانت دارند، تا حد بسیار زیادی در تصمیم‌گیری راجع به چگونگی توزیع رانت و سرمایه‌گذاری آزاد عمل دارند. دولت‌های رانتیر بیشتر ماهیت فاسدی دارند؛ زیرا آنها منابع حاصله را در جهت منابع همگانی و خدمات عمومی کمتر مورد استفاده قرار می‌دهند، در بیشتر این کشورها شبکه‌های ارتباطی، خانوادگی، فامیلی و نفوذ سیاسی به گسترش فساد دامن می‌زنند. نخبگان حاکم، برای تثبیت حکومت، پاره‌ای از افراد و گروه‌های منتقد را با توزیع رانت‌ها، دادن وام‌های طولانی مدت و کم‌بهره، بستن قراردادهای مختلف و پاداش‌های دیگر به خدمت می‌گیرند. البته دولت‌های رانتی به مشروعیت مردمی نیاز دارند و برای کسب و حفظ مشروعیت بخشی از درآمدهای نفتی را در جهت ارایه

خدمات اجتماعی به مردم صرف می‌کنند. بدین ترتیب بیشتر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت را می‌توان دولت‌های رانتیر نامید. رانت خارجی مستقیماً به خزانه این دولت‌ها سرازیر می‌شود و هیچ‌گونه ارتباط جدی با فعالیت‌های اقتصادی داخل کشور ندارد.» (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹، ۱۳۳-۱۲۸) این دولت‌ها «به‌طور منظم میزان معینی از رانت خارجی را دریافت می‌کنند. این رانت که منشأ آن بیرون از دایره اقتصاد داخلی است، رانتی است که از سوی افراد خارجی، شرکت‌های بزرگ یا حکومت‌ها در اختیار افراد، شرکت‌ها و حکومت‌های یک کشور خاص قرار می‌گیرد.» (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹، ۱۳۳-۱۲۸)

ببلاوی نیز در مقاله «دولت تحصیلدار در جهان عرب» ویژگی‌های دولت‌های تحصیلدار در خاورمیانه را این‌گونه می‌شمارد: دولت‌های خاورمیانه‌ای به‌طور عمده به رانت خارجی وابسته هستند، در واقع این دولت‌ها تنها اندکی به کار تولید مشغولند و اکثریت به امر توزیع یا استفاده از آن می‌پردازند، تولید ثروت دلیل تمام فعالیت‌هاست و استفاده از آن معلول به‌شمار می‌رود. به‌عنوان مثال، در خصوص کشورهای تولیدکننده نفت نقش درآمدهای نفتی به قدری است که علت اصلی دیگر فعالیت‌ها به‌شمار می‌رود. در دولت رانتی و اقتصاد رانتی، تولید ثروت به‌وسیله بخش کوچکی از جامعه انجام می‌گیرد و مابقی جامعه به کار توزیع و استفاده از ثروت مشغول هستند و از آنجا که حکومت دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است، تنها شمار اندکی از مردم بر رانت خارجی نظارت دارند. این اقتصاد نوعی روحیه رانت‌جویی ایجاد می‌کند. تفاوت اساسی روحیه رانت‌جویی با رفتار اقتصادی در این است که در رابطه علت و معلولی (کار و تلاش) خلل وارد می‌کند.» (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹، ۱۳۳)

بنابراین با توجه به نکات بالا در تعریف ویژگی‌های دولت رانتیر در خاورمیانه بایستی چهار ویژگی کلی را در نظر گرفت: (عسگریان، ۱۳۸۹، ۱۴۷)

یک. چیزی به‌عنوان یک اقتصاد خالص رانتیر وجود ندارد. در هر اقتصادی برخی عناصر رانت وجود دارند. بنابراین، یک اقتصاد رانتی، اقتصادی است که شرایط رانتی در آن غالب است. البته غالب بودن رانت در اقتصاد نیز موضوعی است که ممکن است در چارچوب ارزیابی‌های متفاوتی صورت گیرد و نتایج متفاوتی نیز از آن به دست آید.

دو. یک اقتصاد رانتي، اقتصادي است که به ميزاني درخور توجه به رانت خارجي متکي است. منشا خارجي رانت، در مفهوم اقتصاد رانتير، اهميت بسزايي دارد. وجود رانتي داخلي، حتي به ميزان فراوان شرط کافي براي آنکه اقتصادي را رانتي بخوانيم به وجود نمي آورد. رانت داخلي بيشتر نمايانگر وضعيتي است که در يک اقتصاد مولد، بخشي از درآمدها به گروهي خاص در جامعه انتقال داده مي شود. از سوي ديگر، رانت خارجي در صورتي که بسيار درخور توجه باشد، قادر است اقتصاد يک کشور را بدون نياز به وجود يک بخش مولد داخلي، سرپا نگه دارد.

سه. در يک دولت رانتير، تنها شمار اندک از افراد در توليد اين رانت نقش دارند، در اين حال، اکثر افراد جامعه تنها در عرصه توزيع يا مصرف رانت فعال هستند.

چهار. نتيجه منطقي ايفاي نقش توليد ثروت توسط بخش اندکي از جامعه اين است که در يک دولت رانتير، حکومت به عنوان دريافت کننده اصلي رانت خارجي در اقتصاد عمل خواهد کرد. نقش دولت به عنوان دريافت کننده اصلي رانت خارجي، بدین معناست که تنها شماری اندک از افراد کنترل رانت خارجي را در دست مي گيرند. در واقع اين امر به آن معناست که تنها گروهي اندک قدرت اقتصادي را در اختيار خود مي گيرند و اين امکان را مي يابند که قدرت سياسي را نيز در انحصار خود داشته باشند.

از منظر پايگاه اجتماعي دولت هاي رانتير، رانتهای مختلفی وجود دارد که مي توان آنها را با توجه به منشا ايجادکننده به گروههاي مختلفی مانند رانتهای اقتصادي، سياسي، اجتماعي، و اطلاعاتي تقسيم کرد. (عسکريان، ۱۳۸۹، ۵۱)

رانت اقتصادي: ديويِد ريکاردو نخستين کسي بود که پيرامون رانت اقتصادي مطالبی ارايه نمود. وي ضمن تحليل اقتصادي خود، به نوعي بي عدالتي در ميزان سود براي توليدکنندگان محصولات کشاورزي پي برد و سود غيرعادلانه اي را که نصيب برخي از آنها مي شد، رانت ناميد، اما به طور کلي رانتهای اقتصادي ناشي از برخي عوامل اقتصادي مانند منابع طبيعي، محدوديت هاي بازرگاني، سياست هاي حمايتي، کنترل قيمت، چنگدگاني نرخ ارز، تخصيص سهميه اي ارزي و نحوه توزيع بودجه و اعتبارات دولتي است.

رانت سياسي: شکل گيري رانت سياسي يکي از پيامدهای فساد سياسي در هر جامعه است و

هرگاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری در خصوص منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند، در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قائل می‌شوند و در واقع چنانچه اراده منتقدان سیاسی به آن باشد که با خارج کردن رقبا از میدان امتیازی را به یک فرد یا گروه خاص بدهند، یک رانت سیاسی برای آن فرد یا گروه خاص شکل می‌گیرد.

رانت اجتماعی: برخورداری از برخی امتیازات ویژه که خارج از صلاحیت فردی و شایستگی‌های ذاتی برخی افراد یا گروه‌ها نصیب آنها می‌شود، رانت اجتماعی محسوب می‌گردد. رانت اجتماعی حاکی از بهره‌مندی افراد یا گروه‌های فاقد صلاحیت از امتیازات اجتماعی است که استحقاق آن را ندارند و منجر به انباشت ثروت نزد عده‌ای محدود از افراد جامعه می‌شود. استفاده از رانت اجتماعی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد: گاهی افراد با استفاده از موقعیت شغلی خود از فرصت‌هایی برخوردار می‌شوند، گاهی روابط خویشاوندی یا قرار گرفتن در یک تشکل یا گروه خاصی و یا گاهی اعمال نفوذ سیاسی در تصویب برخی قوانین که شمول عام دارند، باعث می‌شود برای افراد یا گروهی رانت‌های اجتماعی پدید آید؛ مانند احداث جاده، کارخانه، سد و موارد دیگر که منجر به افزایش قیمت زمین عده‌ای می‌شود.

رانت اطلاعاتی: دستیابی زودهنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه‌های سیاست‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، امور مالی و طرح‌های عمرانی منشاء یکی از مهم‌ترین انواع رانت به نام رانت اطلاعاتی است. به این ترتیب که عده‌ای از افراد با به دست آوردن زودرس اطلاعات مختلف در زمینه تغییرات قریب‌الوقوع در قوانین و مقررات، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید، عواید و درآمدهای کلانی را کسب می‌کنند.

منطقه خاورمیانه یکی از مناطقی است که ماهیت اجتماعی دولت رانتیر توام با وجود انواعی از رانت‌های مختلف در آن را می‌توان توضیح داد.

«خاورمیانه عربی طیفی از دولت‌ها را دارد که در یک میراث تاریخی مشترک سهیم‌اند با مردمانی که به‌طور عمده مسلمان و عرب‌زبان هستند. با این حال نظام دولتی کنونی پدیده‌ایی به‌نسبت متاخر است که تاریخ آن به زمان تقسیم امپراتوری عثمانی به مناطق تحت قیمومیت فرانسه و انگلیس برمی‌گردد. ایجاد و تشکیل یک نظام اجتماعی منسجم وظیفه عمده بسیاری از

حکومت‌های خاورمیانه بوده است. پیش از ایجاد نظام کنونی دولت، اجتماعات مذهبی امور خود را سازمان می‌دادند: یهودیان، مسلمانان و مسیحیان هر یک سیستم حقوقی خاص خودشان را داشتند و به‌طور اشتراکی و جمعی مسئول پرداخت مالیات‌های ویژه به سلطان عثمانی بودند.

انزوای جغرافیایی برخی از اقلیت‌ها (به‌ویژه فرقه‌های مسلمان غیرسنی) موجب خودمختاری‌های اجتماعی می‌شد؛ چون اسلام سنی، ارتدوکس امپراتوری‌های عرب و عثمانی بود، مسلمانان سنی بر مراکز اداری شهرها تسلط داشته‌اند و اقلیت‌های مسلمان غیرسنی نظیر علوی‌ها، شیعه و دروزی‌ها به‌طور کلی از سیستم‌های نظامی، اداری و آموزشی کنار گذاشته شده بودند. در نتیجه اعضای اقلیت‌ها آموزش کمتری دیده و فاقد تجربه اداری بودند و در نیروهای نظامی نماینده‌ای نداشتند. در عربستان سعودی مسلمانان سنی طیفی از بانکداران و تجار میلیونر و در ادامه یک طبقه متوسط پایین تا یک طبقه دهقانی به نسبت مرفه هستند. برعکس، جماعت شیعه در حاشیه بوده و تغییرات رادیکال کمتری را تجربه کرده و بین تعداد انگشت‌شماری از زمین‌داران بزرگ و یک طبقه دهقانی معیشتی فقیر تقسیم می‌شوند. اینان اغلب دهقانان فقیر، متوسط و کارگران بی‌زمین هستند.» (Hussein Mahdavi, 1970, 289)

تعارض و تضاد در سیاست‌گذاری‌ها، کسری مشروعیت سیاسی، غلبه انحصارات خانوادگی و محدودیت یا فقدان عرصه رقابت در فرآیند تولید، مهم‌ترین ویژگی‌های دولت‌های رانتیر می‌باشند. این دولت‌ها به دلیل اتکاء به درآمدهای برآمده از مواهب طبیعی و یا کمک‌های خارجی، به تقاضاها و مطالبات اجتماعی توجهی نداشته و به نوعی دارای استقلال نسبی از طبقات و گروه‌های اجتماعی هستند. پایگاه اجتماعی این دولت‌ها را شبکه‌های فامیلی، گروه‌های خویشاوندی و ائتلاف‌های بزرگ تجاری، صنعتی و سیاسی تشکیل می‌دهند. رانت‌های اطلاعاتی، سیاسی، و اقتصادی به صورت انحصاری در اختیار گروه‌های فوق هستند.

روی هم رفته، اقتصاد سیاسی خاورمیانه و بخش‌هایی از شمال آفریقا را می‌توان با مفهوم کلیدی «رانت» توضیح داد که در ابعاد مختلف از منابعی خارج از سیستم اقتصادی و اجتماعی و از بیرون، بالا یا زیر زمین تامین اعتبار می‌کنند و طی آن نظام اجتماعی در مدار کار و تولید و تقسیم کار فنی و اجتماعی و در پرتو عقل، علم، اختیار و انتخاب انسان و مدرنیته شکل نمی‌گیرد. در این

کشورها رابطه دولت، جامعه و اقتصاد، سست، ضعیف و در حال تداخل و تخریب و تخصم با یکدیگرند. تحولات در کشورهای مذکور عمدتاً منشأ بیرونی و خارجی دارد، آثار و پیامدهای تحولات با منشأ خارجی را می‌توان طبق جدول شماره دو نشان داد: (موثقی، ۱۳۸۷، ۱۷۹)

مؤلفه‌های فوق دلالت بر رابطه‌ای پیوسته و منظم میان ابعاد مختلف نظام‌های رانتیر دارند. شاید بتوان گفت حلقه اتصال این ابعاد را دو مفهوم کورپوراتیسم و پاتریمونیالیسم تشکیل می‌دهند. کورپوراتیسم و یا پاتریمونیالیسم گاه مرتبط و گاه از یکدیگر فاصله می‌گیرند. ارتباط و عدم ارتباط این دو بستگی به ساختار جوامع دارد. جیمز مالوی توصیف جامعی از نظریه کورپوراتیستی یا ایدئولوژی کورپوراتیستی ارائه داده است. از نظر وی «جامعه نامتعارض همگون و مبتنی بر قواعد اخلاقی تضمین‌شده توسط دولت جامعه کورپوراتیستی است. در این جامعه موجودیت و روابط میان گروه‌ها توسط دولت تعیین و تنظیم می‌شود. دولت کورپوراتیست دولتی است کم‌وبیش اقتدارگرا و فعالیت درون‌گروهی و میان‌گروهی نیز کم‌وبیش محدود است. اما این دولت است که مشروعیت و بهره‌مندی از مشارکت در امور عمومی را به افراد و گروه‌ها می‌دهد. این دقیقاً مخالف ایدئولوژی است که از سنت اروپای غربی برآمده و مبتنی بر این است که گروه‌ها به قدرت دولت مشروعیت می‌دهند.» (Malloy, 1991, 89-106)

کورپوراتیسم بیانگر شیوه‌ای است که گروه‌های اجتماعی با یکدیگر و دولت سازمان‌دهی می‌شوند. در کورپوراتیسم گروه‌های ذی‌نفوذ و طبقات اجتماعی در چارچوب سیاست‌های دولت به مشارکت در عرصه سیاست می‌پردازند.

بحران بی‌ثباتی سیاسی در دولت رانتیر

دولت رانتیر در تعامل با جامعه خود شیوه‌ای منحصر به فرد داشته که اثرات رانت و رانتیرسم بر روابط دولت با جامعه کاملاً قابل مشاهده و مطالعه است. رانتی که توسط دولت رانتیر دریافت می‌شود، این اجازه را می‌دهد که آن را در راستای کسب و حفظ مشروعیت خود به کار نبرد، دولت رانتیر برای کسب و حفظ مشروعیت می‌تواند با مصرف رانت در راستای رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیرحاکم توسط دولت رانتیر اغلب شکل

پاتریمونیالیستی یا نوپاتریمونیالیستی به خود بگیرد. به عبارت دیگر ارتباطات خانوادگی و فامیلی به‌طور آشکار مورد استفاده قرار می‌گیرند تا افراد مورد نظر دولت رانتیر مورد حمایت واقع شوند. این حمایت می‌تواند به شکل اعطای مشاغل عالی‌رتبه، قراردادهای پرمفعت، وام‌های بدون بهره و دیگر مواهب و مزایا باشد. پژوهشگرانی چون راوکینز، ببلای، شیرین هانت، میکس چاتلوس و مهدوی بیان کرده‌اند که راهبرد کلی گروه حاکم این است که قسمتی از ثروت هنگفتی را که از رانت به دست آورده‌اند، میان جامعه توزیع نمایند. (طاهری، ۱۳۸۶، ۱۴۶-۱۲۳)

از تأثیرات عمده رانت بر دولت‌ها، این است که از آنجا که دسترسی دولت‌های رانتیر به مقادیر عظیم رانت موجب استقلال آنها از جامعه شده و این استقلال باعث به‌وجود آمدن قدرت انحصاری آنها می‌شود، دولت‌های رانتیر نیازی به در نظر گرفتن منافع جامعه و مردم در اتخاذ تصمیم‌های خود نمی‌بینند و تحت تأثیر رانت، استقلال خود را در جامعه افزایش می‌دهند و به‌علت دارا بودن قدرت انحصاری در استفاده از رانت، از آن برای حفظ و تداوم قدرت خویش استفاده می‌نمایند. از دیگر تأثیرات رانت بر دولت‌ها این است که به واسطه وجود رانت، توانایی و کارویژه استخراجی و بازتوزیعی تضعیف می‌شود.

با استقلال دولت از جامعه، دولت در سایه دریافت رانت از خارج دیگر به منابع داخلی درآمد (صدور کالاهای صنعتی، عوارض، مالیات‌ها) احساس نیاز نمی‌کند و همین باعث عدم نیاز واقعی به گرفتن مالیات از جامعه و منجر به تقویت و افزایش استقلال دولت از جامعه می‌گردد.

اهمیت رانتی که مستقیماً به خزانه دولت ریخته می‌شود توسط پژوهشگرانی چون همایون کاتوزیان، فیلیپ راوکینز، کایرن چودری، و حازم ببلای مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این پژوهشگران همگی بر این نظرند که «تضعیف گروه‌های اجتماعی» کلید روابط دولت رانتیر و نظام‌های اجتماعی است. گروه‌های عمده اجتماعی در این دولت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: (طاهری، ۱۳۸۶، ۱۳۴-۱۳۳)

- الف. گروه تحت‌الحمایگان دولت که بزرگ‌ترین منافع و مزایا را از رانت دریافت می‌کنند؛
- ب. توده جمعیت شهری که این گروه هم از آثار افزایش هزینه‌های دولتی بر اقتصاد داخلی نفع بسیار می‌برند؛ و

ج. جمعیت روستایی که این گروه کمترین میزان دریافت دولت را از رانت‌ها دارا می‌باشند. رانت باعث وابسته شدن بخش خصوصی اقتصاد داخلی از طریق هزینه کردن درآمدهای رانتی توسط دولت می‌شود. وابسته شدن به دولت باعث فقدان یا ضعف منافع مستقل از دولت شده و در چنین شرایطی گروه‌های خارج از دولت نمی‌توانند با دولت به چالش بپردازند.

رشد حجم بوروکراسی و سازمان اداری دولت رانتیر برای توزیع رانت در میان طبقات و گروه‌های اجتماعی در راستای کسب مشروعیت و حفظ ثبات سیاسی که به رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیرحاکم می‌انجامد، و از طرفی رشد بوروکراسی گسترده به معنای فراهم بودن مناصب متعدد، برای جلب حمایت اعضای گروه‌های مختلف که دولت رانتیر از آن استفاده می‌کند، کامل می‌شود. در این کشورها نظام دولت‌سالار، دولت و حکومت حوزه دخالت خود را بسیار وسیع می‌گیرد و استفاده از هر شیوه رانتیر که در دسترس باشد را برای دخالت در جامعه مجاز می‌شمارد. چنین دولت‌هایی خود را برای دخالت در همه حوزه‌ها محق می‌دانند.

عرصه دخالت این دولت‌ها تمامی شئون جامعه را به نحوی بسیار مسلط در بر می‌گیرد و در انجام آن برای خود هیچ‌گونه محدودیتی قائل نیستند. دولت رانتیر روزبه‌روز گسترده‌تر و بزرگ‌تر شده و در تمامی شئون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دخالت کرده و به شکل غولی رشد می‌کند که خود مانع دموکراسی است. این دولت‌ها، اراده شخصی آنان در حکم قانون لازم‌الاجراست. رهبر یک حکومت استبدادی ممکن است مردم کشور خود را مستقیماً به‌سوی اضمحلال و سقوط سوق دهد؛ اگرچه، در ضمیر خود گمان می‌برد آنان را به سوی آینده‌ای درخشان هدایت می‌کند. الفاظ و عبارت‌هایی مانند سعادت جامعه، رفاه مردم، امنیت عمومی، آسایش مردم و غیره در قوانین کشورها و در سخنرانی‌های رؤسای دولت‌ها و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های ملی و بین‌المللی به‌طور پیوسته ملاحظه می‌شود.

رانتی که توسط دولت رانتیر دریافت می‌شود، دولت را قادر می‌سازد از آن برای کسب و حفظ مشروعیت خود استفاده نماید. برای این منظور دولت رانتیر می‌تواند با مصرف رانت در جهت بالا رفتن رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیرحاکم در جامعه گام بردارد.

بحرین نمونه‌ای مناسب از روابط دولت و گروه‌های اجتماعی برای حل مساله بی‌ثباتی سیاسی

و تلاش برای ایجاد یک ائتلاف هرچند شکننده را نشان می‌دهد. «در سال ۱۹۹۶ یک رشته ناآرامی، بمب‌گذاری، اعتصاب و تظاهرات گسترده واکنش‌های تند مقامات دولتی را در پی داشت که با بازداشت‌های گسترده، تبعید مخالفان و کشته‌شدن شماری از افراد همراه بود. در این حال همکاری نهادین میان گروه تجاری و دولت در چارچوب ایجاد شورای عالی توسعه اقتصادی و رایزنی‌های فراوان میان نخبگان و مقام‌های دولتی، در تقویت ثبات رژیم اثری نداشت. این همکاری‌ها، به منظور چاره‌یابی برای مشکلات عمده اجتماعی و اقتصادی در کشور که عامل عمده نارضایتی‌های عمومی بود، توفیقی نیافت. خانواده آل خلیفه در بحرین از راه تهاجم نظامی قدرت را در این منطقه در قرن ۱۸ به دست گرفت، درحالی‌که خانواده الصباح در کویت، قدرت سیاسی خود را بر پایه توافقی قبیله‌ای به‌دست آورد. این پیشینه قدرت‌گیری خانواده حاکم در بحرین، سبب شد شکاف‌های فرقه‌ای در این کشور از نظر سیاسی اهمیت زیادی پیدا کند. حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از جمعیت بحرین را شیعیان عرب تشکیل می‌دهند. اغلب این افراد از طبقه متوسط پایین و روستایی هستند. این درحالی است که خانواده حاکم خلیفه و اکثر نخبگان بخش خصوصی و سنی هستند.» (میرترابی، ۱۳۸۷، ۹۳)

استفاده از رانت برای جلب حمایت جامعه، یکی از ویژگی‌های عمده و ضروری مدل سیاست و حکومتی است که تحت‌عنوان رانتیرسم نام برده می‌شود. تاثیر رانت بر روابط دولت و جامعه در عرصه دیوان‌سالاری هم قابل ملاحظه است. در این راستا نه‌تنها می‌توان از رشد حجم دیوان‌سالاری و سازمان اداری دولت رانتیر به‌عنوان یکی از تاثیرات بر روابط دولت و جامعه یاد کرد، بلکه رشد دستگاه دیوانی نیز نتیجه تاثیر رانتیرسم بر روابط دولت و جامعه می‌باشد. توسعه و گسترش دیوان‌سالاری را می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای قلمداد کرد که دولت رانتیر به کمک آن هم رانت را به شکل مؤثرتری میان جامعه توزیع می‌کند و هم منبع گسترده‌ای برای اشتغال گروه‌های مختلف جامعه فراهم می‌آورد. همان‌طور که ایوبی و ببلای هم گفته‌اند، مقادیر هنگفت رانت خارجی که به‌دست دولت رانتیر می‌رسد، وجود دیوان‌سالاری گسترده را ضروری می‌سازد تا از آن طریق، دولت نه‌تنها بتواند سیاست‌های خود را به بهترین شکل اجرا نماید، بلکه در توزیع رانت میان جامعه موفق‌تر باشند. هم‌زمان و شاید مهم‌تر اینکه، دیوان‌سالاری گسترده

به معنای فراهم بودن مناصب متعددی است که دولت می‌تواند برای جلب حمایت اعضای گروه‌های مختلف از آن استفاده نماید. به عقیده ایوبی و بیلای، کارویژه جلب همکاری اعضای گروه‌های مختلف به کمک دیوان‌سالاری حتی از کارویژه دیگر آن یعنی رانت و مدیریت صحیح نیز مهم‌تر است.

وابستگی فزاینده دولت رانتیر به درآمد رانت بدین معناست که از فشار مالی بر جامعه کاسته می‌شود؛ زیرا مالیات دریافتی دولت بسیار ناچیز است. سازوکار تخصیص منابع به مصرف‌کنندگان در جامعه‌ای که بر پایه دولت تحصیل‌دار است، برحسب تولید و فعالیت آنها نیست بلکه بر پایه نوع نگاه دولت به آنهاست.

دلیل کاربرد اصطلاح «ائتلاف شکننده» از سوی جان فوران این است که دولت در چنین جوامعی فراتر از همه طبقات است و یا با چیزی به نام استبداد روبه‌رو است. وقتی دولت فراتر از همه طبقات باشد، پاسخ‌گو هم نخواهد بود و دولتی هم که پاسخ‌گوی اعتراض مردم نباشد، کارکرد خودش را دارد و کاری به مصرف‌کنندگان و جامعه ندارد و به سلیقه خود رانت را توزیع می‌کند و به خاطر تمایل دولت در توزیع رانت به‌جز عده کوچکی که در معرض آن هستند، بقیه بی‌بهره می‌مانند، آن قشر کوچک هم تا زمانی که در مقام و منصب خود پایدار باشند، در اطراف دولت قرار می‌گیرند و از توزیع رانت بهره‌مند می‌شوند. در نتیجه می‌توان گفت به‌جز عده‌ای که در مسیر توزیع رانت هستند، بقیه افراد جامعه از قدرت مستقر ناراضی‌اند. (طاهری، ۱۳۸۶، ۱۳۴-۱۳۳)

از پیامدهای دولت رانتیر بر اقتصاد جامعه، ایجاد روحیه رانتی است که به کار و کوشش که علت ثروتمند شدن می‌باشد، خدشه وارد می‌آید. به عبارتی دیگر، کار و فعالیت شدید اقتصادی علت ثروتمند شدن نیست، بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌آفریند و در نهایت ضربه مهلکی بر فعالیت‌های تولیدی داخلی وارد می‌سازد. دولت رانتیر ضد توسعه اقتصادی است و مانع شکوفایی و توسعه‌یافتگی اقتصادی می‌شود و کاهش بخش کشاورزی باعث کاهش تولید ناخالص داخلی و افزایش و تقویت روحیه مصرف‌گرایی می‌گردد.

تعصب‌ها و تمایلات ضدتولیدی، هم رفتار اقتصادی را تغییر می‌دهد و هم انتخاب‌ها و تصمیمات اقتصادی را به انحراف می‌کشد. رفتار اقتصادی افراد و شرکت‌ها در راستای رقابت برای

کسب هرچه بیشتر رانت در حال چرخش شکل می‌گیرد. از همین رو فعالیت‌های تولیدی از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد.

همچنین دولت رانتیر برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای فزاینده جامعه نوکیسه، اقدام به واردات فزاینده به‌ویژه واردسازی کالاهای لوکس و مواد غذایی می‌نماید و در نتیجه وابستگی دولت به این واردات فزونی می‌گیرد. همچنین، در دسترس بودن کالاهای وارداتی خارجی که معمولاً ارزان و مرغوب است، ضربه مهلکی بر فعالیت‌های تولیدی داخلی وارد می‌سازد. راهبرد توسعه اقتصادی معطوف به گسترش صادرات یا جایگزینی واردات در این کشورها معنی ندارد، بلکه گسترش واردات را می‌توان الگوی حاکم بر روابط اقتصادی خارجی این کشورها عنوان کرد. بنابراین، دولت‌های رانتیر، برخلاف دولت متکی به مالیات که باید انرژی فراوانی را برای استخراج درآمدهای مورد نیاز صرف کند، صرفاً باید تصمیم بگیرد که کدام‌یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت‌های نفتی اولویت پیدا کنند. درآمد نفتی، دولت را قادر می‌سازد توافق نظم سیاسی را به نفع خود خریداری کند، اما این توافق نظر و نظم سیاسی بنیاد استواری ندارد؛ چرا که بر درآمدهای پرنوسان نفتی پایه‌گذاری شده است. ثروت و درآمدهای نفتی با ایجاد تغییر و انحراف در حقوق مالکیت قدرت گروه‌های ذی‌نفع و نقش دولت در بازار انگیزه‌هایی ایجاد می‌کند که بر سامان‌دهی زندگی سیاسی و اقتصادی عمیقاً تاثیر می‌گذارد و ترجیحات حکومت را در ارتباط با سیاست‌های عمومی شکل می‌دهد. ثابت بودن سطح درآمدهای نفتی می‌تواند دوره طولانی از ثبات را به وجود آورد. (میرترابی، ۱۳۸۷، ۹۳)

از حیث سیاسی، رانت نفت موجب جدایی دولت از مردم و سلطه نهاد دولت بر جامعه می‌گردد. در این کشورها بخش قابل توجهی از درآمد دولت از محل صادرات نفت است. این امر موجب استقلال دولت از اقشار و طبقات اجتماعی، وابسته شدن اقشار و طبقات اجتماعی به نهاد دولت و قرارگرفتن نهاد دولت بر فراز جامعه می‌شود. استقلال مالی دولت به آن اجازه می‌دهد تا خواست‌های خود را بر جامعه تحمیل کند. توسل به سرکوب و قوه قهریه یکی از مکانیزه‌های اصلی تحمیل خواست‌های دولت بر جامعه است. (عیوضی، ۱۳۸۷)

در جدول شماره سه که بررسی مقایسه‌ای آثار استقلال نسبی دولت از طبقات اجتماعی را

نشان می‌دهد، مشاهده می‌شود رابطه‌ای معکوس میان افزایش درآمدهای نفتی و گسترش دموکراسی در خاورمیانه وجود دارد. (میرترابی، ۱۳۸۷، ۱۹۵)

بدیهی است که توسل به زور توسط دولت پایه‌های مشروعیت آن را سست می‌سازد. بحران مشروعیت اولین نشانگان بی‌ثباتی سیاسی و نهایتاً فروپاشی رژیم‌های سیاسی رانتیر است. نقش و اهمیت دولت‌ها و نخبگان در انقلاب‌ها انکارناپذیر است. انسجام گروه حاکمه و هواداران آنها، یکی از مؤلفه‌های اصلی جلوگیری از بروز انقلاب‌هاست. همان‌طور که ارسطو به‌صراحت گفته است: «اقلیتی منسجم می‌تواند برای مدت مدیدی بر اکثریتی نامنسجم حکمرانی کند.» چنین وضعیتی را در اکثر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی می‌توان مشاهده کرد. در این کشورها یک‌پارچگی و انسجام درون خانواده سلطنتی نقش قاطعی بر تداوم رژیم‌های سیاسی دارد. این ضرب‌المثل در میان خاندان آل سعود وجود دارد که «خانواده‌ای که علیه خودش انشعاب پیدا کرده است نمی‌تواند دوام بیاورد.» سعودی‌ها برای حفظ این انسجام و پیوستگی، پست‌های کلیدی قدرت را میان خاندان اصلی و درجه یک خود تقسیم کرده و بدین ترتیب یک حکومت فامیلی تشکیل داده‌اند که امکان ورود خانواده‌های دیگر در آن وجود ندارد. به همین دلیل کمتر نظام سیاسی در این منطقه دچار فروپاشی و انقلاب شده است. بنابراین صرف نفتی بودن، شاخص قابل‌اعتنایی در تبیین ثبات و بی‌ثباتی دولت‌های رانتیر نیست. در جدول شماره چهار دولت‌های نفتی را مشاهده می‌کنیم که سرنگون شده‌اند، ضمن اینکه برخی دیگر همچنان باثبات مانده‌اند. (Herb, 1999, 7-11) در جداول بعدی سهم منابع مالی و درآمدهای عمومی دولت از درآمدهای نفت را مشاهده می‌کنیم. این جداول نیز مزید این واقعیت هستند که ثبات و بی‌ثباتی در دولت‌های رانتیر ارتباط تنگاتنگی با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی آن کشورها دارد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر طی سه گفتار عمده ارایه شد که عبارتند از: شکل‌گیری، تکامل و فرسایش دولت‌های رانتیر. از منظر روش‌شناختی، کاربرست سه مؤلفه فوق در تحلیل دولت رانتیر بر ساخته

رویکردی است فلسفی موسوم به پدیدارشناسی که از نگاهی کلی و همه‌جانبه، پدیده‌های سیاسی - اجتماعی را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

بر اساس آنچه در ماهیت و هستی دولت رانتیر در گفتار اول بیان شد، به نظر می‌رسد دولت‌های رانتیر ساختاری متصلب، سرکوب‌گر، آمرانه، متمرکز، عمودی و یک‌جانبه در رابطه با نظام‌های اجتماعی دارند. دولت‌های رانتیر تسلط انحصاری به منابع درآمدی دارند و از طرفی، ثروت ملی در بوروکراسی دولتی متمرکز شده است. بنابراین طبقات اجتماعی مستقل و مالکیت خصوصی شکل نمی‌گیرند. همه چیز در انحصار دولت بوده و کارکرد اصلی دولت توزیع درآمدهاست تا تولید ثروت. منطقه خاورمیانه به دلایل وجود ذخایر غنی گاز و نفت ازجمله مناطقی در دنیا محسوب می‌شود که دولت توانسته است نظارت مستمر و پایای خود بر منابع درآمدی را ایجاد و گسترش دهد، تا جایی که از این دولت‌ها به‌عنوان دولت‌های نفتی یاد شده است که سلف آن را دولت‌های آبی تشکیل می‌داده‌اند. نفت به‌رغم اینکه در برخی از این کشورها به‌عنوان منبعی ملی نامیده شده است، اما همگان از درآمدهای آن منتفع نمی‌شوند. درآمدهای نفتی در اختیار نخبگان سیاسی است که در راستای علایق خصوصی و خانوادگی خود از آن به‌عنوان وسیله‌ای جهت بسیج اجتماعی، اثبات سیاسی و تضمین تداوم انباشت سرمایه استفاده می‌کنند. بر اساس آنچه در مباحث گفتار دوم گفته شد، دولت‌های رانتیر برخلاف استبداد سنتی و دیکتاتوری‌های نظامی در متن شبکه‌ای از علایق اجتماعی به حیات خود ادامه می‌دهند.

ادبیات غالب در تحلیل ماهیت اجتماعی دولت‌های رانتیر، از این دولت‌ها به‌عنوان «دولت‌های کورپوراتیستی اقتدارگرا» نام برده‌اند. کورپوراتیسم اقتدارگرا دلالت بر نظام‌های سیاسی دارد که شبکه درهم تنیده‌ای از علایق گروه‌های اجتماعی در ساخت قدرت سیاسی منعکس شده‌اند و دولت عرصه منازعات سیاسی است. بنابراین ماهیت اجتماعی این دولت‌ها را گروه‌های اقتصادی مسلط تشکیل می‌دهند که حلقه واسطه نظام‌های سیاسی با سایر گروه‌های اجتماعی هستند. تنوعی از سرمایه‌داری کمپرادور در عرصه مدرن و پاتریمونیالیسم در عرصه سنتی ماهیت اجتماعی این دولت‌ها را تشکیل می‌دهند. نمونه‌های غالب دولت‌های نفتی در خاورمیانه از عربستان تا کویت، قطر، بحرین، و امارات متحده، چنین وضعیتی را تجربه می‌کنند.

بر اساس مطالب ارایه شده در گفتار سوم، این سؤال مطرح می‌شود که چرا به‌رغم اینکه رانتیرسم چهره مسلط نظام‌های سیاسی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد برخی دچار بحران و بی‌ثباتی شده و ناگزیر به اصلاحات تن داده‌اند؟ در حالی که برخی دیگر نیز چنین بحران‌هایی را تجربه نکرده‌اند!

یافته‌های این مقاله نشانگر این واقعیت است که ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در این کشورها به ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی آنها بستگی دارد. از منظر سیاسی دولت‌های خاورمیانه‌ای رانتیر باثبات دولتهایی بوده‌اند که عمدتاً خاستگاه قبیله‌ای و خویشاوندی داشته‌اند، در حالی که دولت‌های بی‌ثبات را دولت‌های فاقد چنین علقه‌ها و پیوندهایی تشکیل داده‌اند. روی هم رفته، یافته‌های پژوهشی در مقاله حاضر دلالت بر این دارند که دولت‌های رانتیر را باید به‌عنوان ساختاری در نظر گرفت که چهار زیرساخت فرعی مرتبط با یکدیگر دارند: زیرساخت اقتصادی، زیر ساخت فرهنگی، زیرساخت سیاسی، و زیرساخت اجتماعی. زیرساخت اقتصادی رانتیرسم را دسترسی انحصاری به مواهب و منابع طبیعی تشکیل می‌دهند. در این عرصه دولت رانتیر به‌عنوان یک دستگاه و سازمان خدماتی، توزیع‌کننده بازتولید و بازتعریف می‌شود. وجوه اصلی دولت‌های مدرن که خصلت تولیدی - استخراجی منابع را دارند، در این دولت‌ها کم‌رنگ و تضعیف می‌شوند. پیامدهای سیاسی چنین شرایط اقتصادی، عدم پاسخ‌گویی سیاسی، مسئولیت‌ناپذیری نخبگان قدرت، محدود بودن عرصه قدرت سیاسی، فساد سیاسی و غیره می‌باشد. فرهنگ عمومی و سیاسی مسلط در دولت‌های رانتیر، پاتریمونیالیسم هستند که امروزه در خاورمیانه از آن به‌عنوان «پدرسالاری جدید» یاد می‌کنند. در فرهنگ سیاسی پاتریمونیال روابط حکام و جامعه، رابطه آمریت، تحکمی، یک‌سویه و مبتنی بر جلب اطاعت و سرسپردگی است. بنابراین فضای نقد و نظارت بر عملکرد دولت به‌طور کامل از بین می‌رود. نظام اجتماعی که در دولت‌های پاتریمونیال - رانتیر شکل می‌گیرد، نظام اجتماعی مشتری‌مداری معطوف به کورپوراتیسم اقتدارگراست. رابطه حامی - پیرو در شرایط اجتماعی حاکم، فضای خودی - غیرخودی و دفع اغیار در مناسبات اجتماعی را به‌وجود می‌آورد. گروهی که وفاداری، اطاعت و پیروی از احکام را در پیش بگیرند، مورد حمایت واقع می‌شوند و سایرین طرد، مورد بی‌مهری و حتی در معرض نابودی قرار می‌گیرند. روی هم رفته دولت رانتیر دولت غیردموکراتیک، سلطه‌جو و اقتدارگراست.

جدول شماره یک ←

راهندها کشورها	اصلاح سیاست‌های پولی و مالی	تسویه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	خصوصی سازی و اصلاح ساختار اداری	اصلاح بازار نیروی کار
بحرین	۱. انتشار اولین قانون برای فعالیت مؤسسات مالی ۲. بهبود مقررات بانکی اسلامی و تصویب قانون ضد پولشویی در سال ۲۰۰۱	۱. تسهیل قوانین برای بنگاههای کشورهای غیر عضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکتها جهت افزایش قبضه مالکیتاز ۴۹ به ۱۰۰ درصدبرخی از بخشهای استراتژیک نظیر پخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. واگذاری شرکت حمل و نقل عمومی و خدمات گردشگری به بخش خصوصی و آزادسازی بخشهای ارتباطات و خدمات پستی	۱. توسعه استراتژی اشتغال ملی ۲. اعطای یارانه برای آموزش نیروی کار در بخش خصوصی و کمکی مالی به بیکاران
کویت	۳. تنظیم مقررات بازار بورس بحرین ۱. اصلاح مقررات سرمایه‌گذاری‌های خارجی که به خارجیان اجازه مالکیت و مبادله سهم شرکت‌های خود در بورس را می‌دهد	۱. صدور مجوز افزایش قبضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد ۲. کاهش نرخ مالیات از ۵۵ به ۲۵ درصد ۳. ایجاد اداره سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به منظور هدایت فعالیت شرکت‌های خارجی	۱. تصویب قانون خصوصی سازی توسط کمیسیون امور مالی مجلس ۲. واگذاری شرکت‌های دولتی در ۶۲ بخش اقتصادی تحت اداره دولت	۱. اجرای برنامه اصلاح ساختار نیروی انسانی ۲. اعطای تسهیلات مالی به بیکاران و ارائه آموزش‌های کاربردی
عمان	۱. توسعه تسهیلات مالکیت مجدد بسوی بازارهای بین بانکی ۲. اجرای یک قانون بازار سرمایه جهت سازماندهی بازار اوراق بهادار مستقل	۱. صدور مجوز افزایش قبضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد در اغلب بخش‌های اقتصادی ۲. کاهش نرخ مالیات بر درآمد از ۱۵ تا ۵۰ درصد به ۵ تا ۳۰ درصد ۳. آغاز به کار شرکت‌های خارجی با مالکیت ۱۰۰ درصد در بخش خدمات	۱. شروع خصوصی سازی از بخش انرژی از طریق واگذاری نیروگاه‌ها ۲. ساخت سه نیروگاه توسط سرمایه گذاران خارجی ۳. خصوصی سازی مدیریت خدمات فرودگاهی، شبکه آبرسانی، فاضلاب، خدمات پستی و ارتباطات	۱. تعیین حداقل دستمزد برای کلیه افراد تبعه عمان بجای حداقل دستمزد قبلی تعیین شده ۲. تأسیس وزارت جدید نیروی کار عمان در سال ۲۰۰۲ و تصویب قانون جدید نیروی کار در ماه می سال ۲۰۰۳

۱. ارایه خدمت مشهوره آموزش و اطلاع رسانی، رایگان به دانش آموختگان جوینده کار	۱. واگذاری بخشی از شرکت های فعال در بخش ارتباطات تا پایان سال ۱۹۹۸	۱. اجازه فعالیت به شرکت های خارجی در بخش کشاورزی، صنعت، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، گردشگری با مالکیت ۱۰۰ درصد	۱. حذف سقف بهره سپرده های بانکی داخلی در دوره سال ۲۰۰۱	۱. صدور مجوز برای خارجی ها جهت مبادله سهام در بازار اوراق بهادار از طریق صندوق های سرمایه گذاری با سرمایه متغیر	۱. ایجاد بازار بورس رسمی در سال ۲۰۰۰ و تصویب قانون جدید برای اوراق بهادار برای پیشگیری از نوسانات احتمالی بازار سرمایه نظیر بحران سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸	۱. امارات متحده عربی
۲. ایجاد وزارت خدمات شهری جهت حمایت از افراد جویای کار	۲. فروش نیروگاه ها و شرکت های دولتی فعال در بخش برق و آب	۲. کاهش حداکثر نرخ مالیات بر بنگاه های خارجی از ۲۵ به ۲۰ درصد	۲. تقویت نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکی	۲. تصویب قانون جدید برای بازار سرمایه جهت تقویت بازار های مالی و جلوگیری از پول شویی	۲. تصویب قانون ضد پول شویی و مبارزه با تخلف مالی تروریسم در ژانویه سال ۲۰۰۲	
۱. ایجاد صندوق توسعه نیروی انسانی با مشارکت بخش خصوصی به منظور آموزش نیروی کار در حرفه های مورد نیاز بخش خصوصی	۱. تدوین اسرار انرژی جدید خصوصی سازی در ژوئن ۲۰۰۲ جهت واگذاری ۲۰ بخش از جمله ارتباطات، برق پارک های صنعتی، خدمات پستی، آب، راه آهن، آموزش و پرورش و خدمات حمل و نقل هوایی به بخش خصوصی	۱. تصویب قانون جدید سرمایه گذاری همواره با افزایش قبضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد در اغلب بخش ها شامل نفت، گاز، تولید برق، تصفیه آب و صنعت پتروشیمی	۲. کاهش مالیات بر درآمد بنگاه های سرمایه گذار خارجی از ۲۵ تا ۲۰ درصد	۲. تصویب قانون جدید برای بازار سرمایه جهت تقویت بازار های مالی و جلوگیری از پول شویی		
۲. توسعه بانک اطلاعات شاغلان بخش خصوصی	۲. واگذاری ۲۰ درصد شرکت های دولتی فعال در بخش ارتباطات					
۱. تأسیس مؤسسه اشتغال و توسعه نیروی انسانی ملی جهت بهبود سطح مهارت های افراد جویای کار	۱. تشویق خصوصی سازی خدمات رفاهی از طریق قراردادهای مشارکت در تولید با سرمایه گذاران خارجی و فروش برخی از دارایی های موجود	۱. افتتاح چند منطقه آزاد تجاری	۲. آزادسازی و تسهیل مقررات سرمایه گذاری خارجی	۱. ایجاد بازار بورس رسمی در سال ۲۰۰۰ و تصویب قانون جدید برای اوراق بهادار برای پیشگیری از نوسانات احتمالی بازار سرمایه نظیر بحران سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸	۲. تصویب قانون ضد پول شویی و مبارزه با تخلف مالی تروریسم در ژانویه سال ۲۰۰۲	
۲. ایجاد بانک اطلاعات نیروی کار						

جدول شماره دو

ماهیت	ابعاد	عاملان	منشا و خاستگاه	آثار و عوارض
رانت	فرهنگی	خدایان	از آسمان	ذهنیت رانتی (تعطیل انسان، عقل، علم و بحران هویت)
رانت	سیاسی	دولت‌ها، حکام و رهبران	از بالا	دولت رانتی یا پدرسالار (فقدان اقتدار و مشروعیت، عدم تولید و توزیع و کاربرد صحیح قدرت، بی‌ثباتی و بحران مشروعیت، مشارکت، نفوذ و یکپارچگی)
رانت	اقتصادی و اجتماعی	نفت و سایر منابع	از زیر زمین	اقتصاد رانتی (فقدان کار و تولید، ضعف طبقات مولد و بخش خصوصی، توزیع ناعادلانه ثروت و بحران توزیع)
رانت	بین‌المللی و جهانی	نیروها، نهادها و سرمایه‌های خارجی (سرمایه‌داری جهانی)	از بیرون	وابستگی به رانت‌های خارجی (ادغام در تقسیم کار بین‌المللی ناعادلانه، خروج مازاد از کشور، پیرامونی شدن، حالت خارجی و حمله نظامی)

جدول شماره سه: مقایسه میان ثروت نفتی بحرین، عمان و قطر و سطح دموکراسی در این کشورها

کشور	ذخایر کشف شده	درصد میدانهای بزرگ	حجم ذخایر در ۲۰۰۴	کیفیت نفت	اوج تولید	درجه دموکراسی ۲۰۰۳	تغییرات دموکراتیک از ۱۹۹۱
بحرین	۱/۲۱	۹۴/۸	۰/۲۱	۴	۱۹۷	۰/۱۵	۰/۱۵
عمان	۱۲/۵۷	۳۵/۸۴	۵	۴	۲۰۰۱	۰/۱۰	۰/۱۰
قطر	۱۱/۳۷	۵۹/۱۳	۴	۷/۲	۲۰۰۴	صفر	صفر

جدول شماره چهار

نظامهای سیاسی رانتیر	فروپاشی	ثبات
نظامهای سیاسی پادشاهی		بحرین، کویت، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی
نظامهای سیاسی پادشاهی	افغانستان، مصر، ایران، عراق، لیبی	

ثبات و بی‌ثباتی در کشورهای نفت‌خیز با توجه به ویژگی‌های خاص رانت‌های نفتی

کشور	نسبت صادرات نفت به کل صادرات	صادرات نفت نسبت به GDP	درآمد سرانه صادرات نفت	منازعات خشونت‌بار	ثبات سیاسی
	درصد	درصد	دلار آمریکا	بانک جهانی	۵/۲ تا ۵/۲
الجزایر	۹۶/۸	۳۲/۴	۵۷۹	۲۸	-۱/۶۲
آنگولا	۹۱/۸	۷۰/۹	۵۷۹	۳۰	-۱/۵۴
آرژانتین	۱۷	۳/۴	۱۱۶	۰	-۰/۶۴
آذربایجان	۸/۸۸	۳۳/۶	۲۵۰	۹	-۱/۱۳
بحرین	۶۸/۳	۴۶/۸	۵۶۴۰	۰	۰/۴۲
برونئی	۸۸	۷۶/۳	۹۷۷۷	۰	۱/۰۵
کامرون	۵۱/۴	۷/۹۶	۵۷	۱	-۰/۴۶
چاد	۴۷/۴	۸/۵	۲۶	۱۲	-۱/۵۴
کلمبیا	۲۷/۴	۴	۲۷۵	۳۱	-۱/۹۵
کنگو	۲۲/۸	۲/۷	۴	۱۵	-۲/۳۵
کنگو برازاویل	۸۷/۶	۶۳/۸	۵۸۷	۹	-۱/۶۳
کودینور	۱۱	۳/۸	۲۷	۰	-۲
اکوادور	۴۱	۸/۴	۱۵۸	۱	-۰/۶۸
مصر	۳۷/۲	۱/۷	۲۲	۷	-۰/۴۹
گینه استوایی	۹۶/۳	۹۳/۳	۵۶۰۸	۰	۰/۲۴
گابن	۸۰/۳	۴۱/۵	۱۶۴۴	۰	۰/۲۵
اندونزی	۲۴	۸	۶۴	۱۷	-۱/۴۵
ایران	۸۱/۳	۲۱/۲	۳۳۷	۱۴	-۰/۶۷
عراق				۲۴	-۱/۷۶

کشور	نسبت صادرات نفت به کل صادرات	صادرات نفت نسبت به GDP	درآمد سرانه صادرات نفت	منازعات خشونت بار	ثبات سیاسی
قزاقستان	۵۵/۲	۲۱	۲۳۲	۰	۰/۳۸
کویت	۹۱/۶	۴۰	۶۴۸۱	۰	۰/۲۵
لیبی	۹۶/۷	۶۰	۲۶۲۵	۰	-۰/۳۴
مکزیک	۱۱/۳	۲/۹	۱۸۱	۱	۰/۲۵
نیجریه	۹۵/۸	۳۸/۹	۱۴۰	۰	-۱/۵۶
عمان	۷۷	۴۲/۴	۳۰۷۱	۰	۱/۰۵
قطر	۸۳/۲	۴۶/۳	۱۴۷۹۰	۰	۰/۸۲
روسیه	۵۳/۵	۱۵/۶	۳۷۴	۱۴	-۰/۵۲
عربستان	۸۸/۱	۳۸/۵	۲۷۱۵	۰	-۰/۱۲
سودان	۷۷/۵	۱۱/۲	۴۶	۳۴	-۲/۰۸
سوریه	۷۲	۲۱/۶	۲۵۸	۰	-۰/۲
ترینیداد	۵۹/۶	۲۴/۲	۱۷۸۵	۱	۰/۰۱
ترکمنستان	۸۱	۲۶/۴	۴۲۳	۰	-۰/۱۹
امارات	۴۳/۹	۳۰/۶	۷۵۰۶	۰	۰/۹۳
ازبکستان				۱	-۱/۰۲
ونزوئلا	۸۵/۵	۲۱/۹	۸۳۱	۱	-۱/۱۷
ویتنام	۲۰/۸	۹/۲	۳۹	۰	۰/۴۸
یمن	۸۷/۴	۳۱/۳	۱۷۸	۳	-۱/۴
آستانه‌ها برای مقایسه	۴۰	۲۰	۱۰۰۰	۱	۰

منبع: سعید میرترابی، به نقل از:

Mathias Basedau and Wolfarm Lacher, "A Paradox of Plenty? Rent Distribution and Political Stability in Oil States," Institute of Global and Area Studies, GIGA Working Papers, No. 21, April 2006, p. 25.

ثبات و بی ثباتی در کشورهای نفت خیز با توجه به ویژگی های اجتماعی و سیاسی هر کشور

کشور	جمعیت	اثر سرکوب		امنیت	توزیع گسترده		توزیع حامی پروانه	
		شاخص خانه آزادی	پاسخ گوئی		کل هزینه های حکومت	HDI	کنترل فساد	کارایی حکومت
	میلیون	۷ تا ۱	۵/۲ تا ۵/۲	سرنانه به دلار	سرنانه به دلار	۱ تا ۰	۵/۲ تا ۵/۲	۵/۲ تا ۵/۲
الجزایر	۳۱/۳	۵/۵	-۰/۹۶	۶۶	۶۳۸	۰/۷۰۴	۰/۶۲	-۰/۶
آنگولا	۱۳/۲	۵/۵	۱/۴	۹۱	۴۰۷	۰/۳۸۱	۱/۵۳	۱/۲
آرژانتین	۳۸	۳	۰/۲۳	۱۱۳	۴۷۵	۰/۸۵۳	۰/۸۷	۰/۴۷
آذربایجان	۸/۳	۵/۵	۰/۸۷	۱۵	۳۳۹	۰/۷۴۶	۰/۸۴	۰/۹
بحرین	۰/۳	۵	۰/۷۴	۱۵۶۰	۱۱۴۳	۰/۸۴۳	۰/۹	۰/۸۱
برونئی	۰/۳	۵/۵	۰/۸۲	۱۰۹۹	۶۷۲۰	۰/۸۶۷	۰/۶۱	۰/۹
کامرون	۱۵/۷	۶	-۱/۱	۸	۱۱۶	۰/۵۰۱	۱/۱۹	۰/۵۹
چاد	۸/۳	۵/۵	۰/۹۵	۸	۴۸	۰/۳۷۹	۰/۸۲	۰/۶۸
کلمبیا	۴۳/۵	۴	۰/۵۵	۷۶	۳۹۸	۰/۷۷۳	۰/۸۲	۰/۴
کنگو	۵۱/۲	۶	۱/۸۹	۵	۱۱	۰/۳۶۵	۱/۸۱	۱/۵۹
کنگو برازویل	۳/۶	۵	-۱/۱	۲۳	۳۸۵	۰/۴۹۴	۱/۲۳	۱/۳۳
کودپور	۱۶/۴	۶	۱/۲۵	۸	۱۱۹	۰/۳۹۹	۱/۲۴	۰/۸۹
اکوادور	۱۲/۸	۳	۰/۰۶	۵۶	۳۶۲	۰/۷۵۳	۰/۶۵	۰/۹۴
مصر	۷۰/۵	۶	۰/۸۸	۵۷	۳۴۵	۰/۶۵۳	۰/۰۵	۰/۲۹
گینه استوایی	۰/۵	۶/۵	۱/۴۴	۶۰	۶۱۱	۰/۷۰۳	۱/۲۲	۱/۴۲
گابن	۱/۳	۴/۵	۰/۴۲	۶۳	۱۱۸۹	۰/۶۴۸	۰/۲۶	۰/۴۲
اندونزی	۲۱۷/۱	۷/۵	۰/۴۹	۵		۰/۶۹۲	۰/۸۹	۰/۵۵

-۰/۴۶	-۰/۵۷	۰/۷۳۲	۴۸۴	۶۴	۱/۰۴	۶	۶/۸۱	ایران
-۱/۶۹	-۱/۶۵			۵۳	-۲/۱۲	۷	۲۴/۵	عراق
-۰/۸۲	۰/۹۲	۰/۷۶۶	۳۳۹	۱۶	-۱/۱۴	۵/۵	۱۵/۵	قزاقستان
۰/۱/۵	۰/۰۱	۰/۸۳۸	۲۶۹۲	۱۶۳۸	-۰/۲۹	۴/۵	۲/۴	کویت
-۰/۹	-۰/۷۹	۰/۷۹۴	۱۴۳۶	۴۶۴	-۱/۷	۷	۵/۴	لبنی
۰/۲۱	-۰/۲۱	۰/۸۰۲	۱۴۷۳	۳۹	۰/۳۶	۲	۱۰۲	مکزیک
-۱/۱۱	-۱/۱۱	۰/۴۶۶	۱۶۰	۳	-۰/۷	۴/۵	۱۲۰/۹	نمیریه
۰/۶۷	۱	۰/۷۷	۲۷۴۱	۸۹۲	-۰/۵۵	۵/۵	۲/۸	عمان
۰/۷۵	۰/۹۲	۰/۸۳۳	۸۴۰۸	۱۲۰۵	-۰/۵۲	۶	۰/۶	قطر
-۰/۴	-۰/۷۲	۰/۷۹۵	۸۹۰	۹۶	-۰/۴۴	۵	۱۴۴/۱	روسیه
-۰/۰۸	۰/۵۱	۰/۷۶۸	۲۲۵۲	۷۸۴	-۱/۴	۶/۵	۲۳/۵	عربستان
.....								سودان
-۰/۵۸	-۰/۳۸	۰/۷۱		۵۳	-۱/۵۶	۷	۱۷/۴	سوریه
۰/۵	-۰/۰۴	۰/۸۰۱	۱۷۷۸	۶۹	۰/۵۶	۳	۱/۳	ترینیداد
-۱/۵	-۱/۲۱	۰/۷۵۲		۱۹	-۱/۸۵	۷	۴/۸	ترکمنستان
۰/۸۳	۱/۱۷	۰/۸۲۴	۸۱۳۴	۹۰۷	-۰/۴۷	۵/۵	۲/۹	امارات
-۱/۰۴	-۱/۰۳	۰/۷۰۹		۸	-۱/۵۸	۶/۵	۲۵/۷	ازبکستان
-۱/۱۳	-۰/۹۴	۰/۷۷۸		۳۷	-۰/۴۱	۳/۵	۲۵/۲	وزوولا
-۰/۲۹	-۰/۶۷	۰/۶۹۱	۱۰۶		-۱/۳۶	۶/۵	۸۰/۳	ویتنام
-۰/۸۴	-۰/۷	۰/۴۸۲	۱۵۲	۱۷۸	-۰/۸۸	۴/۵	۱۹/۳	یمن
۰	۰	۰/۷۳۹	۴۷۹/۵	۵۸/۵	۰		۳	آستانه‌های مقایسه

منبع: سعید میر ترابی، به نقل از: Mathias Basedau and Wolfram Lacher, “A Paradox of Plenty? Rent Distribution and Political Stability in Oil States,” Institute of Global and Area Studies, GIGA Working Papers, No. 21, April 2006, p. 27.

منابع:

۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶)، «رانت و دولت رانتیر- یک بررسی مفهومی»، *ماهنامه سیاسی اقتصادی*، ش ۱۲۶-۱۲۵.
۲. سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۹)، «چالش‌های سیاسی، اقتصادی و آزادی سیاسی در خاورمیانه عربی از دهه ۱۹۹۰ به بعد»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هفدهم، شماره ۲.
۳. طاهری، ابولقاسم (بهار ۱۳۸۶)، «رانت، دولت‌های رانتیر و پیامدهای آن»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، شماره ۴.
۴. عسگریان، محسن (۱۳۸۹)، «رفتارشناسی سیاست خارجی دولت رانتیر نفتی (رساله کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل)»، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۵. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، «نفت و موانع توسعه یافتگی»، *راهبرد*، شماره ۳.
۶. فضلی‌نژاد، سیفالله و احمدیان، مرتضی (بهمن و اسفند ۱۳۸۹)، «اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون‌رفت از آن»، *مجله اقتصادی*، شماره ۱۱ و ۱۲.
۷. قاسمیان، سلیمان (مرداد و شهریور ۱۳۸۹)، «بررسی اهداف استراتژی‌های شورای همکاری خلیج فارس»، *ماهنامه اقتصاد انرژی*، شماره ۱۳۰-۱۲۹.
۸. موثقی، احمد (۱۳۸۷)، *اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه نیافتگی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. میرترابی، سعید (۱۳۸۷)، *نفت، سیاست و دموکراسی*، تهران: قومس.
۱۰. هرسنی، صلاح‌الدین و خودکار، مهرشاد (اسفند ۱۳۸۸)، «رانتیریزم نفتی در ایران»، *ماهنامه گزارش*، شماره ۲۱۶.
11. Beblawi, Hazem (1987), "The Rentier State in Arab World," Beblawi, Hazem & Luciani, Giacomo (eds.), *The Arab State*, London: Croom Helm.
12. Herb, Michael (1999), *All in the Family, Absolutism, Revolution and Democracy in the Middle Eastern Monarchies*, State University of New York Press.
13. Mahdavi, Hussein (1970), "The Patterns & Problems of Economic Development in Rentier State: The Case of Iran," in M. A. Cook (ed.), *Studies in Economic History of the Middle East*, London: Oxford University Press.
14. M. Malloy, James (ed.) (1991), *Authoritarianism and Corporatism in Latin America*, Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
15. Theda, Skocpol (1982), "Rentier State and Shia Islamic in the Iranian Revolution," *Theory and Society*, Vol. 2. No. 3.